

---

## تأثیر هنجارهای فرهنگی - اجتماعی بر ادعای حق الارث زنان (مطالعه موردی استان آذربایجان غربی)

---

کامل دلپسند<sup>۱</sup>، رشید احمدرش<sup>۲</sup>، پریخان محمدی<sup>۳</sup>، سینا احمدی<sup>۴</sup>

**چکیده:** این مقاله برگرفته از پژوهشی گسترده است که در استان آذربایجان غربی پیرامون مسائل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر سهم‌بری زنان از ارث در سال ۱۳۸۸ اجرا شده است. در این پژوهش مجموعه متغیرهایی نظیر جامعه‌پذیری جنسیتی، میزان خودپنداره زنان، بافت فرهنگی حاکم بر خانواده، محل سکونت، میزان آگاهی از قوانین و... مورد بررسی قرار گرفته است. روش مورد مطالعه در این پژوهش کمی است که به صورت پیمایشی اجرا و از ابزار پرسشنامه استاندارد استفاده شده است. با توجه به گستردگی منطقه از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای و برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است که در نهایت حجم نمونه ۳۷۷ نفر تعیین شدند. نتایج به دست آمده نشان دهنده آن است که درصد بالایی از زنان مورد مطالعه معتقدند فرهنگ مردسالارانه حاکم بر جامعه و جامعه‌پذیری جنسیتی عامل عمده‌ای در عدم دستیابی زنان به حق و حقوق خود در زمینه ارث است. از این‌رو زنان مورد مطالعه فرهنگ سازی را به عنوان راهکار مقابله با این موضوع پیشنهاد داده اند. نتایج بعدی حاکی از آن است که علاوه بر فرهنگ مردسالارانه حاکم، به ترتیب طمع مردان و قوانینی که بیشتر از مردان حمایت می‌کند تا زنان، دلایل عمده طفره رفتن مردان از دادن حق الارث پذیرفته شده در جامعه به زنان است.

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۱۷

**کلید واژه‌ها:** هنجارهای اجتماعی - نابرابری جنسیتی - جامعه‌پذیری جنسیتی - خودپنداره - پدرسالاری.

---

۱. دانشگاه جامع علمی کاربردی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران [delpasand@ut.ac.ir](mailto:delpasand@ut.ac.ir)

۲. دانشگاه تهران، تهران، ایران [rahmadrash76@yahoo.com](mailto:rahmadrash76@yahoo.com)

۳. پژوهشگر علوم اجتماعی، تهران، ایران

۴. پژوهشگر علوم اجتماعی، تهران ایران

## مقدمه

در عصر حاضر دگرگونی‌های عمیقی که مشخصه زندگی اجتماعی است باعث شده مسائل اجتماعی به دلیل پیچیدگی‌ها و مشکلات عدیده‌اش مورد توجه خاص متفکران حوزه علوم انسانی و اجتماعی قرار گیرد. در این بیان پیرامون مسائل زنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که تحول در عرصه مناسبات دو جنس ساختارهای کهن را به چالش کشیده و در نتیجه نگرش‌های نوینی را طلب می‌نماید که نیاز به مطالعه و بررسی دقیق علمی دارد. مطالعه علمی پدیده‌های اجتماعی به ویژه مسائل اجتماعی ضمن ارضای کنجکاوی‌های محققان و اندیشمندان می‌تواند به شناخت علمی و فارغ از ارزش آن پدیده‌ها کمک کند و در نهایت به اتخاذ تصمیم‌گیری‌های مناسب و شایسته بینجامد. در علوم اجتماعی زمانی که مسائل اجتماعی را به صورت شرایط عینی مطالعه می‌کنیم، در واقع بر معرفتی متکی هستیم که این شرایط را به صورت نموداری از کنش‌های ما به آن مسائل ترسیم می‌کند. نیزبت و مرتون معتقدند مسئله اجتماعی عبارت است از: نوعی رفتار که از نظر بخش عمده‌ای از افراد جامعه با یک یا چند هنجار پذیرفته شده و تثبیت شده در تضاد باشد (نیزبت و مرتون<sup>۱</sup>، ۱۹۷۱: ۳).

با وجود این انیلین لوزیک مسئله اجتماعی را به شرایطی اطلاق می‌کند که دارای چهار مشخصه باشد: ۱- از نظر ادراک عمومی اشتباه باشد ۲- شایع و گسترده باشد ۳- قابل تغییر باشد ۴- و با تفکر منطقی بتوان آن را تغییر داد (لوزیک، ۱۳۸۳: ۲۵). از این منظر مسائل اجتماعی در هر منطقه‌ای، تابعی از هنجارهای فرهنگی و اجتماعی است، و مقاله حاضر نیز در همین زمینه است.

## بیان مسئله

با وجود اینکه قوانین حقوقی و احکام شرعی دین اسلام سهم زنان را از ارث کاملاً مشخص و معین کرده است، هنوز هم بسیاری از اقشار جامعه ما این حقوق را نپذیرفته‌اند و به طور کامل اجرا نمی‌شود. نگاهی به پرونده‌های موجود در دادگاه‌ها و نیز مشاهده احوال اطرافیانمان بیانگر اهمیت بازنگری و بازاندیشی در الگوهای هنجاری حاکم بر جامعه در زمینه مسئله مورد بحث است. از این‌رو ضرورت دارد که این قبیل مشکلات و چالش‌های زندگی روزمره زنان مورد ارزیابی و تحقیق قرار گیرد. از طرف دیگر نباید از نظر دور داشت که جامعه ما با وجود

شاخص‌های یک جامعه مدرن هنوز درگیرودار ارزش‌های سنتی است که موضوع این پژوهش نیز یکی از آن موارد است. به گفته اینگلههارت، فرهنگ و تغییرات فرهنگی لزوم گذر به جامعه فراصنعتی است (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۳). در چنین گذری که اکنون جامعه ما نیز پیش‌رو دارد حل تعارضات مبنایی در جامعه و خانواده از اهم مسائل است. مسئله اساسی تحقیق حاضر از یک طرف بررسی هنجارهای فرهنگی - اجتماعی موجود در جامعه مورد مطالعه پیرامون سهم الارث و میراث است و از طرف دیگر میزان تأثیر هنجارهای فوق بر دریافت یا عدم دریافت حق الارث زنان و نیز استخراج الگوهای حاکم و بررسی رویکرد زنان در این‌باره را دربرمی‌گیرد.

### چارچوب نظری تحقیق

متفکران اجتماعی از همان آغاز به مسائل نابرابری‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، توجه داشته‌اند و در نظریه‌هایشان سرشت طبیعی و پایدار و اجتناب‌ناپذیر این نابرابری‌ها را خاطر نشان نموده و نقش آنها را در زندگی اجتماعی مطرح کرده‌اند (تامین، ۱۳۷۳: ۱) به عبارت دیگر کمتر جامعه‌ای را می‌توان یافت که به نوعی دارای انواع نابرابری‌ها نباشد. به دیگر سخن «بسیاری از فلاسفه اجتماعی بر این عقیده‌اند که ماهیت زندگی انسان‌ها بر نابرابری، و نه مساوات، بنا شده است» (نای، ۱۳۷۸). در واقع انواع نابرابری‌ها به عنوان یک مسئله مهم اجتماعی در بسیاری از جوامع وجود دارد. مسائل اجتماعی جامعه پدیده‌هایی هستند که به شرایط ساختاری و یا الگوهای کنشی مربوط می‌شوند و در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه، یعنی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب مورد توجه مردم و گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرند و مانع تحقق هدف‌ها و تهدیدکننده ارزش‌ها و کمال مطلوب‌ها می‌شوند.

هنجارهای اجتماعی، رفتارهای معین و مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی هستند. ارزش‌های اجتماعی به تدریج به صورت هنجارهای اجتماعی در می‌آیند و با رعایت کردن آنها جامعه انتظام پیدا می‌کند. «هنجارهای اجتماعی شیوه‌های رفتاری معینی است که در میان گروه یا جامعه متداول است و فرد در جریان زندگی خود آن را می‌آموزد، به کار می‌بندد و نیز انتظار دارد که دیگر افراد گروه یا جامعه آن را انجام دهند.» (کنیگ، ۱۳۴۹). در واقع «آنچه همکاری‌های میان افراد بشر و وابستگی متقابل آنها را ممکن می‌سازد، نظامی از الگوهای رفتاری آموخته شده است که همه اعضای یک فرهنگ در آن سهیم‌اند. این الگوهای رفتار

- مشترک یا معیارهای رفتار را هنجار می‌نامند» (کوئن، ۱۳۷۲) تقسیم‌بندی‌های گوناگونی از انواع هنجارها به عمل آمده است که در زیر به برخی از عمده‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:
- ۱- هنجار اجتماعی (امر غیرشرطی است که ضمانت اجرایی‌اش مبهم و انشایی است)
  - ۲- هنجار قانونی (قواعدی شرطی است که مجازات و عواقب مشخص دارد)
  - ۳- هنجار رویه‌ای (خصلت فناورانه دارد و از علم و معرفت می‌آید نه اخلاق و نوعی مسئولیت است)
  - ۴- هنجار خصوصی (مربوط به خود شخص است)
  - ۵- هنجار اخلاقی (امری ارزشمند و مشخص‌کننده جهت و رفتار خوب و بد) (چلبی، ۱۳۸۴).
- این هنجارها طی فرآیند جامعه‌پذیری در جامعه نهادینه می‌شوند. جامعه‌پذیری فرایندی است که طی آن عناصر اجتماعی و فرهنگی درونی می‌شوند، اعضای جامعه آن را طی می‌کنند تا بتوانند ارزش‌ها، اعتقادات، هنجارها و مهارت‌های معنوی و مادی را فرا گیرند و انسانی اجتماعی شوند (بتس و پلاک، ۱۳۷۵).
- مطالعات بسیار حاکی از آن است که فرآیند اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری با سوگیری اجتماعی به نفع جنس مذکر در تمامی جوامع، به نهادینه کردن برتری جنس مذکر منجر می‌شود. (ترابی نژاد، ۱۳۷۲: ۱۹۸؛ گرت، ۱۳۸۰؛ آبوت و دالاس، ۱۹۹۰؛ چاک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱)

### نظریه نابرابری‌های جنسیتی

براین اساس کودکان در ابتدایی‌ترین مراحل زندگی طی فرایند اجتماعی شدن می‌آموزند که زنان با مردان برابر نیستند. بسیاری از الگوهای اجتماعی و فرهنگی نیز این نابرابری را به طور غیرمستقیم تأیید می‌کنند (حاجیوند، ۱۳۸۱). جامعه‌پذیری جنسیتی از خانواده شروع می‌شود و با عوامل دیگری چون آموزش، مدارس، رسانه‌ها و ... بسط می‌یابد. مردها برای توسعه مهارت‌ها و استعدادهای اقتصادی و رقابتی در محل کار تربیت می‌شوند، آنها می‌آموزند که علیه تسلط دیگران فعال باشند و برعکس زنان در جایگاه فرودست قرار می‌گیرند به وضع موجود قانع می‌شوند منفعل باقی می‌مانند. به عبارتی جامعه‌پذیری جنسیتی کانال اصلی تثبیت اندیشه مردسالاری در تمام سطوح جامعه است (هومین فر، ۱۳۸۲: ۲۶-۲۵). آنچه جای تعجب دارد این است که بسیاری از این نابرابری‌ها در گفتمان غالب مردسالار حالت هنجاری به خود گرفته

است. به گونه‌ای که حتی بسیاری از زنان جامعه ما نقش فرودستی و تزییع حقوقشان توسط مردان را پذیرفته‌اند. با وجود این می‌توان گفت: خود «یعنی برداشت فرد از هویت و جایگاه فردیش در جامعه محصول نقش‌هایی است که فرد طی زندگیش، ایفا می‌کند و جامعه از او انتظار دارد. تاریخ فرهنگ مردسالارانه اثری مخرب روی تصویری که زن از خود دارد گذاشته است و بنابراین خود زنان، خودی مسخ شده با تعریفی محدود است که با برداشت‌های خانواده پدرسالار و فرهنگ مردسالار شکل گرفته است. زنان اسیر نوع و شیوهٔ زندگیشان هستند، شیوه ای که مجالی برای حرکت باقی نگذاشته است. با این حال، تحولات اخیر باعث شده که برخی از آنان با خلاقیت در راه پذیرش نقش‌های جدید و برهم زدن ساخت‌های کهن بردارند و توان چیرگی بر این نقش منفعلانه را کسب کنند (هومین فر، ۱۳۸۲: ۴۴ و کمالی، ۱۳۸۳). آمارتیا سن در این باره شش نوع از نابرابری‌های جنسیتی را به شرح زیر توضیح می‌دهد:

- ۱- نابرابری در مرگ و میر<sup>۱</sup>
  - ۲- نابرابری در زاد و ولد<sup>۲</sup>
  - ۳- ترجیحات جنسیتی والدین برای تولد فرزندان ذکور<sup>۳</sup>
  - ۴- تمایز و تفاوت در پرورش استعدادهای طبیعی برای مشارکت عادلانه و مؤثر در کارکردهای امتیازآور اجتماع<sup>۴</sup>:
  - ۵- نابرابری‌های جنسیتی در تحصیلات عالی<sup>۵</sup>
  - ۶- نابرابری شغلی و حرفه‌ای یا وجود نابرابری در استخدام و ارتقا و ترفیعات شغلی<sup>۶</sup>:
  - ۷- نابرابری در مالکیت<sup>۷</sup> (سن، ۲۰۰۱)
- آنچه در تقسیم‌بندی فوق از انواع نابرابری‌های جنسیتی قابل ذکر است این است که نوع خاصی از نابرابری راه را برای انواع دیگر تسهیل می‌کند (افشاری و شیبانی، ۱۳۸۰). در واقع نابرابری ماهیتی ترکیبی پیدا می‌کند.

1. inequality mortality
2. inequality natality
3. preferencesssex (Parent )
4. Inequality Opportunity Social
5. Inequality ducation Higher)
6. Professional inequality
7. inequality ownership

### درآمدی بر قوانین ارث در اسلام

ارث در لغت به معنای ترکه و اموالی است که از متوفی به جای می‌ماند و در اصطلاح حقوقی مقصود از آن انتقال مالکیت اموال میت به وراث است (مردوخ کردستانی، ۱۳۶۲). برای تبیین دلائل انتقال اموال به خویشاوندان نزدیک متوفی می‌توان نگاهی ریشه‌ای به فطرت انسان داشت. خویشاوندی به طور طبیعی موجب ایجاد علاقه و احساس درونی بین خویشاوندان در زمان حیات می‌شود. کسانی که در زمان حیات متوفی یار و یاورش بوده‌اند، در به تصرف درآوردن اموال او و به دست آوردن مالکیت آن اموال از هر شخص دیگری سزاوارترند. ارث، موجبات، شرایط و موانعی دارد که در زیر پس از تعریف هر یک مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت: موجبات ارث: منشاء انتقال قهری اموال متوفی به وراث است. شرایط ارث شرایطی خاصی است که براساس آن انتقال قهری و تحقق ارث صورت می‌پذیرد. موانع ارث: شرایطی است برای منتفی شدن انتقال ارث به وراث. (عاشوری، ۱۳۷۶)

### موجبات ارث

براساس ماده ۸۶۱ ق. م «موجب ارث دو امر است: الف: نسب، ب: سبب». وراثت براساس نزدیک‌تر بودن خویشاوندان به متوفی، اموال به جای مانده از او را قهراً به آنها انتقال می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت که به طور کلی خویشاوندی به معنی اعم کلمه مبنای توارث است که خود براساس منشا به دو گونه نسبی و سببی تقسیم می‌شود (شهیدی، ۱۳۷۹).

### فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول:

بین ادعای زنان برای حق‌الاشاره با نحوه جامعه‌پذیری جنسیتی آنان در خانواده رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم:

به نظر می‌رسد که ادعای زنان حق‌الارث بر زندگی مشترک آنان تأثیر خواهد گذاشت.

فرضیه سوم:

بین میزان درآمد ماهیانه خانواده زنان و ادعای آنها برای حق‌الارث رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم:

بین بافت فرهنگی خانواده با طرح ادعای زنان برای حق الارث رابطه وجود دارد.  
فرضیه پنجم:

بین ادعای زنان برای حق الارث با سطح سواد آنان رابطه معناداری وجود دارد.  
فرضیه ششم:

بین ادعای زنان برای حق الارث با محل سکونت آنان در (شهر یا روستا) رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه هفتم:

بین مذهب و ادعای حق الارث رابطه وجود دارد.

فرضیه هشتم:

بین سن و ادعای حق الارث رابطه وجود دارد.

فرضیه نهم:

بین اشتغال و ادعای حق الارث رابطه وجود دارد.

فرضیه دهم:

بین خودپنداره و ادعای حق الارث رابطه وجود دارد.

فرضیه یازدهم:

بین میزان آگاهی زنان از قوانین ارث و ادعای حق الارث رابطه وجود دارد.

### روش تحقیق

روش تحقیق در مطالعه حاضر با توجه به هدف های آن، کمی است و از روش پیمایش<sup>۱</sup> استفاده شده است. بدین معنی که ضمن اجرا عملیات میدانی، از فنون پرسشنامه استفاده کرده ایم. بنابر تعریف «تحقیق پیمایشی عبارت است از مشاهده پدیده ها برای معنی دادن به جنبه های مختلف اطلاعات جمع آوری شده. این شیوه تحقیق از دو مرحله تشکیل شده است؛

۱- مشاهده دقیق و نزدیک پارامترهای مورد پژوهش در جامعه

۲- جمع آوری و معنی دادن به آنچه مورد مشاهده قرار گرفته است» (دلاور، ۱۳۷۹).

### جامعه آماری و شیوه نمونه‌گیری

برای جمع‌آوری داده‌ها در این مطالعه از ابزارهای اندازه‌گیری پرسشنامه و مصاحبه استفاده شده است، بدیهی است با توجه به در نظر گرفتن این احتمال که ممکن است بخشی از افراد مورد مطالعه سواد پایینی داشته باشند، به تناسب موارد از روش مصاحبه حضوری استفاده شد. برای تنظیم متن مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها، مقیاس‌های استاندارد شده موجود پس از تعدیل و بومی کردن آنها متناسب با جامعه آماری استفاده شد به گونه‌ای که مقیاس‌های مورد استفاده به نحو مطلوبی متغیرهای مستقل و وابسته این پژوهش را می‌سنجند. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه زنان بالای ۱۸ سال است (سن قانونی برای درخواست رسمی احقاق حق در زمینه ارث و میراث). روش نمونه‌گیری در این تحقیق خوشه‌ای بوده است. «زمانی که جامعه مورد نظر یا مورد مطالعه بسیار وسیع و گسترده باشد، انتخاب نمونه از نظر اجرایی مشکل به نظر می‌رسد. برای صرفه‌جویی در منابع، از نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده می‌شود. در این روش بر عکس سایر روش‌ها، واحد نمونه‌گیری، فرد یا یک عضو نیست، بلکه گروهی از افراد است که به صورت طبیعی شکل گرفته و گروه خود را تشکیل داده‌اند. به همین دلیل نمونه‌گیری خوشه‌ای زمانی به کار برده می‌شود که انتخاب گروهی از اعضا امکان‌پذیر و آسان‌تر از انتخاب اعضای جامعه باشد.» (دواس، ۱۳۷۶)

در تحقیق حاضر جامعه آماری مورد مطالعه به لحاظ جغرافیایی و براساس متغیرهای قومیتی و مذهبی به دو بخش عمده شهرهای شمالی و جنوبی استان تقسیم شده است. لذا به تناسب جمعیت هر شهر سهمیه‌ای به آن اختصاص داده شد. به این صورت که لذا از بین ۱۲ شهرستان استان با در نظر گرفتن ویژگی‌های جغرافیایی، مذهبی و قومی دو شهر از شمال و دو شهر از جنوب استان و مرکز استان انتخاب و سپس به نسبت جمعیت هر شهر سهم آن از جمعیت نمونه انتخاب شد. با به کارگیری فرمول کوکران و در صورتی که  $d=0.1$  باشد، تعداد نمونه برابر ۹۷ نفر خواهد بود، اما با لحاظ کردن عوامل دقت، زمان و هزینه و در صورتی که  $d=0.05$  باشد، تعداد نمونه برابر خواهد بود با ۳۷۷ نفر و ما همین تعداد را برگزیدیم. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از نرم افزار آماری SPSS استفاده شده است.



## یافته‌های پژوهش

فرضیه اول: بین ادعای زنان برای حق الارث با نحوه جامعه‌پذیری جنسیتی آنان در خانواده رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به اینکه متغیر مستقل نحوه جامعه‌پذیری جنسیتی زنان در این تحقیق در سطح سنجش ترتیبی اندازه‌گیری شده است. برای بررسی آزمون فرضیه فوق از آزمون  $U$  من ویتنی استفاده شد.

جدول شماره ۱: رتبه‌های مربوط به آزمون فرضیه اول

ادعای حق الارث	تعداد	رتبه میانگین	مجموع رتبه‌ها
۱- بله	۱۳۴	۲۰۰/۸۹	۲۶۹۱۹
۲- خیر	۲۴۳	۱۸۲/۴۴	۴۴۳۳۴
کل	۳۷۷	-	-
سطح معناداری	/۱۱۵	-	-

جدول فوق نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون  $0/115$  بوده که بیشتر از سطح معناداری مورد نظر ماست ( $0/05$ ). لذا دلیل کافی برای رد فرضیه صفر ( $H_0$ ) نداریم و در نتیجه این فرضیه تأیید و فرض تحقیق ( $H_1$ ) رد می‌شود. بنابراین بین ادعای زنان برای حق الارث و نحوه جامعه‌پذیری جنسیتی در خانواده رابطه معناداری مشاهده نشد. به عبارت دیگر ادعای حق الارث تابعی از متغیرهایی غیر از جامعه‌پذیری جنسیتی است.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد که ادعای زنان برای حق الارث بر زندگی مشترک آنان تأثیر خواهد گذاشت.

متغیر تأثیر بر زندگی مشترک نیز در سطح سنجش رتبه‌ای اندازه‌گیری شده است. برای بررسی این فرضیه از آزمون  $U$  من ویتنی استفاده شد. با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون  $0/001$  کمتر از سطح معناداری مورد نظر ( $0/05$ ) است، دلیل کافی مبنی بر رد فرضیه صفر ( $H_0$ ) داریم و با احتمال بیش از  $99/$  فرضیه تحقیق ( $H_1$ ) تأیید می‌شود. به عبارت دیگر و به احتمال قوی ادعای زنان برای حق الارث بر زندگی مشترک آنان تأثیری منفی خواهد گذاشت.

جدول شماره ۲: رتبه‌های مربوط به آزمون فرضیه دوم

ادعای حق الارث	تعداد	رتبه میانگین	مجموع رتبه‌ها
۱- بله	۱۳۴	۲۱۳/۴	۲۸۵۹۶
۲- خیر	۲۴۳	۱۷۵/۵۴	۴۲۶۵۷
کل	۳۷۷	-	-
سطح معناداری	۰/۰۰۱	-	-

فرضیه سوم: بین میزان درآمد ماهیانه خانواده زنان و ادعای زنان برای حق الارث رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به اینکه متغیر میزان درآمد ماهیانه در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شده است. برای بررسی این فرضیه، از آزمون اختلاف میانگین‌ها ( $t$  مستقل) استفاده شد.

جدول شماره ۳: آزمون  $t$  گروه‌های مستقل جهت آزمون فرضیه سوم

آزمون $t$ -test برای میانگین‌ها		آزمون $F$ واریانسها	
درجه آزادی	$T$	سطح معناداری	برای برابری واریانسها
۳۷۵	۰/۶۲۵	۰/۷۲۵	۰/۱۲۴
اختلاف میانگین	۰/۵۳۲	اختلاف خطای استاندارد	۰/۱۰۵۸۳
سطح معناداری	۰/۵۳۲	سطح معناداری	۰/۱۰۵۸۳
اختلاف خطای استاندارد	۰/۶۶۲	اختلاف خطای استاندارد	۰/۱۰۵۸۳
میانگین	۰/۶۶۲	میانگین	۰/۱۰۵۸۳
تعداد	۰/۲۷۴۲۴	تعداد	۰/۲۷۴۲۴
حداکثر	-۰/۱۴۱۹۴	حداکثر	-۰/۱۴۱۹۴
حداقل	-	حداقل	-

مشاهده می‌شود که با فرض برابری میانگین‌ها، حدود پایین و بالای آزمون هم علامت نیستند و در نتیجه اختلاف بین دو گروه معنادار نخواهد بود، لذا دلیل کافی برای رد فرضیه تحقیق ( $H_1$ ) وجود ندارد. به عبارت دیگر به احتمال قوی هر چه درآمد خانواده شوهر پایین‌تر باشد تمایل افراد به طرح ادعای حق الارث بیشتر خواهد بود.

فرضیه چهارم: بین بافت فرهنگی خانواده با ادعای زنان برای حق الارث رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه متغیر بافت فرهنگی خانواده در سطح رتبه‌ای سنجش شده است، برای بررسی فرضیه فوق از آزمون  $U$  من ویتنی استفاده شد.

جدول شماره ۴: رتبه های مربوط به آزمون فرضیه چهارم

ادعای حق الارث	تعداد	رتبه میانگین	مجموع رتبه ها
۱- بله	۱۳۴	۱۸۷/۲۱	۲۵۰۸۶
۲- خیر	۲۴۳	۱۸۹/۹۹	۴۶۱۶۷
کل	۳۷۷	-	-
سطح معناداری	۰/۱۲	-	-

با مشاهده نتایج جدول فوق می‌توان گفت که سطح معناداری آزمون (۰/۱۲) خیلی پایین‌تر از سطح معناداری مورد قبول (۰/۰۵) است، لذا دلیل کافی برای رد فرضیه صفر ( $H_0$ ) وجود دارد و فرضیه تحقیق ( $H_1$ ) تأیید می‌شود. به عبارت دیگر بین بافت فرهنگی خانواده و ادعای زنان برای حق الارث رابطه معناداری وجود دارد. یعنی اگر فرد در خانواده‌ای با بافت فرهنگی آزادتر و مبتنی بر احترام متقابل به اعضا پرورش یافته باشد به احتمال بسیار قوی به سهم الارث خود به عنوان یک حق نگاه می‌کند، لذا تمایل بیشتری به طرح ادعای حق الارث خواهد داشت.

فرضیه پنجم: بین ادعای زنان برای حق الارث با سطح سواد آنان رابطه معناداری وجود دارد.

سطح سواد پاسخگویان مورد مطالعه در این تحقیق در سطح سنجش رتبه‌ای اندازه‌گیری شده است و برای بررسی این فرضیه نیز از آزمون  $U$  من ویتنی استفاده کرده‌ایم.

جدول شماره ۵: رتبه‌های مربوط به آزمون فرضیه پنجم

ادعای حق الارث	تعداد	رتبه میانگین	مجموع رتبه ها
۱- بله	۱۳۴	۱۷۰/۴۹	۲۲۸۴۵
۲- خیر	۲۴۳	۱۹۹/۲۱	۴۸۴۰۸
کل	۳۷۷	-	-
سطح معناداری	۰/۰۱۲	-	-

همان طور که جدول فوق نشان می‌دهد، سطح معناداری آزمون (۰/۰۱۲) از سطح معناداری مورد قبول (۰/۰۵) کمتر است، لذا دلایل کافی مبنی بر رد فرضیه صفر ( $H_0$ ) داریم و با احتمال بیشتر از ۰/۹۵ فرض تحقیق ( $H_1$ ) مورد تأیید قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر بین ادعای حق الارث و سطح سواد زنان رابطه معناداری وجود دارد. این امر نشان می‌دهد که با بالاتر رفتن سال‌های تحصیل، افراد به احتمال قوی‌تر بیشتر با حق و حقوق خود آشنا می‌شوند و لذا تمایل بیشتری به طرح ادعای حق الارث خود خواهند داشت.

**فرضیه ششم: بین ادعای زنان برای حق الارث با محل سکونت آنان در (شهر یا روستا) رابطه معناداری وجود دارد.**

با توجه به اینکه دو فرضیه فوق هر دو به عنوان متغیر مستقل و وابسته در سطح سنجش اسمی اندازه‌گیری شده‌اند، آزمون مناسب برای بررسی این فرضیه، آزمون کای اسکوار (خی دو) است.

جدول شماره ۶: آزمون کای اسکوار مربوط به فرضیه ششم

آزمون	ارزش	درجه آزادی	کل
کای اسکوار پیرسون	۰/۳۷	۱	۰/۸۴۷
تصحیح پیوستگی	۰/۰۴	۱	۰/۹۵۳
نسبت احتمال	۰/۳۷	۱	۰/۸۴۷
اتحاد خط به خطی	۰/۳۷	۱	۰/۸۴۸
کل	۳۷۷	-	-

جدول فوق نتایج آزمون کای اسکوار مربوط به این فرضیه را نشان می‌دهد سطح معناداری به

دست آمده از آزمون کای اسکویر ۸۴۷/ است و این مقدار بسیار بیشتر از حداکثر سطح معناداری مورد قبول (۰/۰۵) است، لذا رابطه ای بین این دو متغیر مشاهده نمی‌شود، لذا فرض تحقیق رد می‌گردد.

### فرضیه هفتم: بین مذهب و ادعای حق الارث رابطه وجود دارد.

در این فرضیه نیز مانند قبل، دو متغیر مستقل و وابسته در سطح سنجش اسمی اندازه‌گیری شده‌اند، برای بررسی مناسب جهت آزمون این فرضیه نیز آزمون کای اسکویر است.

جدول شماره ۷: آزمون کای اسکویر مربوطه به فرضیه هفتم

کای اسکویر پیرسون	ارزش	درجه آزادی	سطح معناداری
	۱۳/۹۳۸	۱	./..
تصحیح پیوستگی	۱۳/۱۴۵	۱	./...
نسبت احتمال	۱۴/۱۰۴	۱	./...
اتحادخط به خطی	۱۳/۹۰۱	۱	./...
تعداد	۳۷۷	-	-

همان طور که از نتایج جدول فوق برمی‌آید، سطح معناداری به دست آمده از آزمون کای اسکویر این فرضیه برابر با ۰/۰۰۰ است. بنابراین با اطمینان بالاتر از ۹۹٪ می‌توان نتیجه گرفت که بین مذهب و ادعای حق الارث رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر جدول زیر حاکی از آن است که افراد شیعه مذهب مورد پرسش در مقایسه با زنان سنی مذهب تمایل بیشتری به طرح داعیه حق الارث خود داشته‌اند. البته خود عامل مذهبی بودن می‌تواند تحت تأثیر عوامل دیگری از جمله بافت فرهنگی خانواده و همچنین نحوه جامعه‌پذیری افراد، میزان بالاتر سطح سواد در میان زنان اهل تشیع و به ویژه متغیر قومیت باشد.

جدول شماره ۸: جدول توافقی مذهب و ادعای حق الارث پاسخگویان

کل	ادعای حق الارث		مذهب	
	خیر	بلی	واقعی	شيعه
۱۹۶	۱۰۹	۱۸۷۷	واقعی	شيعه
۱۹۶	۱۲۶/۳	۶۹/۷	مورد انتظار	
۱۸۱	۱۳۴	۴۷	واقعی	
۱۸۱	۱۱۶/۷	۶۴/۳	مورد انتظار	سنی
۳۷۷	۲۴۳	۱۳۴	واقعی	
۳۷۷	۲۴۳	۱۳۴	مورد انتظار	کل

فرضیه هشتم: بین سن و ادعای حق الارث رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه متغیر سن پاسخگویان در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شده است، برای بررسی این فرضیه، از آزمون اختلاف میانگین‌ها ( $t$  مستقل) استفاده شد.

جدول شماره ۹: آزمون  $t$  گروه‌های مستقل برای آزمون فرضیه نهم

آزمون $t$ برای برابری میانگین‌ها							آزمون $leven$ برای برابری واریانس‌ها		
حد بالا	حد پایین	اختلاف خطای استاندارد	اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	$t$	سطح معناداری	$F$	
.۳۰۷۸۴	.۵۱۳۰۶	.۲۰۲۱۰	.۹۱۰۴	...	۳۷۵	۴/۵۰۵	...	۱۷/۵۱۶	با فرض برابری واریانسها
.۳۳۱۹۲	.۴۸۸۹۸	.۲۱۳۹۲	.۹۱۰۴	...	۲۳۲/۳۷۵	۴/۲۵۶	-	-	با فرض عدم برابری واریانسها

مشاهده می‌شود که با فرض برابری میانگین‌ها، حدود پایین و بالای آزمون هم علامت بوده‌اند و در نتیجه اختلاف بین دو گروه معنادار است، در نتیجه دلیل کافی مبنی بر رد فرضیه صفر ( $H_0$ ) داریم و فرضیه تحقیق ( $H_1$ ) تأیید می‌شود.

فرضیه نهم: بین اشتغال و ادعای حق الارث رابطه وجود دارد.

در این زمینه، هر دو متغیر مستقل و وابسته در سطح اسمی اندازه‌گیری شده‌اند. آزمون مناسب برای بررسی این فرض، آزمون کای اسکویر است.

جدول شماره ۱۰: آزمون کای اسکویر مربوط به فرضیه دهم

کای اسکویر	ارزش	درجه آزادی	سطح معناداری
	.۲۰۹	۱	.۶۴۷
تصحیح پیوستگی	.۱۲۱	۱	.۷۲۸
نسبت احتمال	.۲۱	۱	.۶۴۷
اتحاد خط به خطی	.۲۰۹	۱	.۶۴۸
تعداد	.۳۷۷	-	-

نتایج حاصل از جدول فوق نشان می‌دهد که سطح معناداری مربوط به آزمون این فرضیه برابر با ۰/۶۴۷ است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه‌ای بین دو متغیر اشتغال و حق الارث پاسخگویان وجود ندارد. به عبارت دیگر بین دو گروه شاغل و غیرشاغل تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه دهم: بین خودپنداره و ادعای حق الارث رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه متغیر مستقل خودپنداره پاسخگویان در این تحقیق در سطح سنجش رتبه‌ای اندازه‌گیری شده است، برای بررسی فرضیه فوق از آزمون  $U$  من ویتنی استفاده شد.

جدول شماره ۱۱: رتبه‌های مربوط به آزمون فرضیه یازدهم

ادعای حق الارث	تعداد	رتبه میانگین	مجموع رتبه‌ها
۱- بله	۱۳۴	۲۲۵/۹۷	۲۰۲۷۹/۵
۲- خیر	۲۴۳	۱۶۸/۶۲	۴۰۹۷۳/۵
کل	۳۷۷	-	-
سطح معناداری	.۰۰۰		

همان طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، سطح معناداری آزمون (۰/۰۰۰) کمتر از سطح معناداری مورد نظر (۰/۰۰۱) است، لذا دلیل کافی مبنی بر رد فرضیه صفر ( $H_0$ ) داریم و با احتمال بیش از ۹۹ درصد فرضیه تحقیق ( $H_1$ ) تأیید می‌شود. به عبارت دیگر هر چه میزان اعتماد به نفس و حس استقلال فردی بالاتر رود یا افراد تصور بهتری از خود و توانایی‌هایشان داشته باشند، به احتمال زیاد تمایل بیشتری به طرح دعوای حقوق الارث خود خواهند داشت.

**فرضیه یازدهم: بین میزان آگاهی زنان از قوانین ارث و ادعای حقوق الارث رابطه وجود دارد.**

با توجه به اینکه متغیر میزان آگاهی زنان از قوانین مربوط به ارث نیز در سطح سنجش رتبه‌ای اندازه‌گیری شده است، برای بررسی فرضیه فوق نیز، از آزمون  $U$  من ویتنی بهره گرفته ایم.

جدول شماره ۱۲: رتبه‌های مربوط به آزمون فرضیه سیزدهم

ادعای حق الارث	تعداد	رتبه میانگین	مجموع رتبه‌ها
بله = ۱	۱۳۴	۲۰۳/۱۴	۲۷۲۲۰/۵
خیر = ۲	۲۴۳	۱۸۱/۲	۴۴۰۳۲/۵
کل	۳۷۷	-	-
سطح معناداری	۰/۰۲۱		

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون ۰/۰۲۱ و کمتر از سطح معناداری مورد نظر ماست (۰/۰۵). لذا دلیل کافی برای رد فرضیه صفر ( $H_0$ ) وجود دارد و در نتیجه فرضیه صفر رد و فرض تحقیق ( $H_1$ ) تأیید می‌شود. به عبارت دیگر هرچه زنان از قوانین موجود در زمینه ارث و میراث بیشتر آگاه شوند، تمایل بیشتری به طرح دعوای حقوق الارث خواهند داشت.

### تجزیه و تحلیل سؤال‌های باز

در نهایت برای شناخت بهتر موضوع مورد مطالعه و استخراج هنجارهای موجود در مورد ارث و میراث، چهار سوال باز مطرح شد که نتایج حاصل پس از جمع‌آوری داده‌ها، برای تحلیل آنها را به صورت زیر طبقه‌بندی کردیم.



### فکر می‌کنید چرا برخی از مردان از دادن حق الارث به زنان طفره می‌روند؟

پس از جمع‌آوری مجموع ۳۷۷ جواب داده شده به این سوال و مقوله‌بندی آنها، کلیه پاسخ‌هایی که دارای فراوانی بیش از ۵ بوده‌اند به عنوان یک مقوله در نظر گرفته شدند، بقیهٔ جواب‌ها در مقوله سایر موارد جای داده شده‌اند. با لحاظ نمودن موارد پیش گفته، جواب‌های داده شده به سوال بالا در نه (۹) مقوله به شرح جدول زیر جا می‌گیرند.

مقوله‌ها	فراوانی	درصد
۱. طمع مردان	۹۲	۲۴/۴
۲. قانون به نفع مردان	۶۲	۱۶/۴
۳. سوءاستفاده از نا آگاهی زنان	۲۰	۵/۳
۴. زن هنگام ازدواج سهم خود را می‌برد (جهیزیه)	۱۹	۵
۵. مردان ادامه دهنده نسل هستند	۱۶	۴/۲
۶. کم توجهی اسلام به حقوق زنان	۴۴	۱۱/۷
۷. فرهنگ حامی مردان است	۹۶	۲۵/۵
۸. عدم رعایت شرح اسلام	۸	۲/۱
۹. سایر موارد	۲۰	۵/۳
جمع کل	۳۷۷	۱۰۰

با توجه به جدول فوق بیشترین فراوانی مربوط به مقوله شماره هفت است. به عبارت دیگر حدود ۲۶ درصد زنان مورد مطالعه معتقدند که فرهنگ حاکم بر جامعه مردمحور است. بعد از آن به ترتیب طمع مردان و قوانینی که بیشتر از مردان حمایت می‌کنند، دلایل طفره رفتن مردان از دادن حق الارث به زنان بوده است.

### فکر می‌کنید چرا برخی از زنان از گرفتن حق الارث خود به نفع برادرانشان چشم

#### پوشی می‌کنند؟

پس از جمع‌آوری مجموع جواب‌های داده شده به این سوال و مقوله‌بندی آنها، کلیه پاسخ‌هایی که دارای فراوانی بیش از ۵ بوده‌اند به عنوان یک مقوله در نظر گرفته شده‌اند، بقیه جواب‌ها در

مقوله «سایر موارد» جای گرفته اند. با لحاظ نمودن موارد بالا، جواب‌های داده شده به این سوال نیز در نه (۹) مقوله به شرح زیر جای گرفته اند.

مقوله ها	فراوانی	درصد
۱- چون مسولیت والدین به عهده مردان است	۲۵	۶/۶
۲- ترس از طرد شدن از سوی خانواده پدری	۱۴۶	۳۸/۷
۳- عرف و سنت به نفع مردان است	۷۱	۱۸/۸
۴- بی اعتمادی به شوهر(ترس از آینده)	۲۵	۶/۴
۵- پشتوانه مالی خانواده پدری (ضعیف است)	۲۷	۷/۲
۶- کم رویی زنان	۴۰	۱۰/۶
۷- مخالفت شوهر با ارث زن	۶	۱/۶
۸- بی اطلاع و نا آگاهی از قوانین ارث و میراث	۱۳	۳/۴
۹- سایر موارد	۲۵	۶/۶
جمع کل	۳۷۷	۱۰۰

با توجه به جدول فوق بیشترین فراوانی مربوط به مقوله شماره دو است. به عبارت دیگر حدود ۳۹ درصد زنان مورد مطالعه به علت ترس از طرد شدن و مورد بی‌مهری قرار گرفتن از سوی خانواده پدری از احقاق حق خود در مورد ارث و میراث چشم‌پوشی می‌کنند. همچنین حدود ۲۰ درصد زنان مورد مطالعه عرف و سنت‌های مردسالارانه حاکم بر جامعه را عامل چشم‌پوشی از حقوق خود می‌دانند. بعد از آن به ترتیب کم‌رویی زنان که ریشه در جامعه‌پذیری جنسیتی خانواده دارد، بی‌اعتمادی به شوهر که بیانگر بنیان نسبتاً سست خانواده است، قرار می‌گیرند.

**فکر می‌کنید مهم‌ترین عواملی که مانع احقاق حق زنان در زمینه ارث و میراث می‌شوند کدامند؟**

پس از جمع‌آوری مجموع جواب‌های داده شده به این سوال و مقوله‌بندی آنها، کلیه پاسخ‌هایی که دارای فراوانی بیش از ۵ بوده‌اند به عنوان یک مقوله در نظر گرفته شده‌اند، بقیه جواب‌ها در

مقوله «سایر موارد» جای گرفته اند. با لحاظ نمودن موارد بالا، جواب‌های داده شده به این سوال نیز در نه (۹) مقوله به شرح زیر جای می‌گیرند.

مقوله ها	فراوانی	درصد
۱. نبود حمایت قانونی از زنان	۶۷	۱۷/۸
۲. سنتهایی که به نفع مردان هستند	۱۰۴	۲۴/۶
۳. مذهب به نفع مردان است	۳۸	۱۰/۱
۴. بی اطلاعی زنان از قوانین	۸۶	۲۲/۸
۵. طمع بیش از حد مردان	۱۰	۲/۷
۶. ترس از جدایی	۳۳	۸/۸
۷. تمایل نداشتن به حضور در مراجع قانونی	۴	۱/۱
۸. مرد سالاری	۲۱	۵/۶
۹. سایر موارد	۱۴	۳/۷
جمع کل	۳۷۷	۱۰۰

با توجه به جدول فوق بیشترین فراوانی مربوط به مقوله شماره دو (سنت‌های مردسالارانه) است. به عبارت دیگر حدود ۲۸ درصد زنان مورد مطالعه سنت‌های موجود در جامعه را مانع مهمی در احقاق حق خود می‌دانند. بعد از آن بی اطلاعی از قوانین و نیز وجود قوانین مردسالار و نابرابری در قوانین را از موانع بسیار مهم در این زمینه می‌دانند. داده‌های تحقیق نشان‌دهنده آن است که بیشتر زنان دید مثبتی به قوانین ندارند. به عبارت دیگر قوانین را بیشتر به نفع مردان می‌دانند.

#### برای احقاق حق زنان در زمینه ارث و میراث چه اقداماتی را پیشنهاد می‌کنید؟

اهمیت سؤال یاد شده به طرح پیشنهادهایی مربوط می‌شود که نه مردان یا حتی محققان، بلکه خود زنان مورد مطالعه، مطرح کرده‌اند. لذا توجه به آنها دارای اهمیت فراوانی است. این پیشنهادها در چهار دسته کلی جای گرفته‌اند. پس از جمع‌آوری مجموع جواب‌های داده شده به این سؤال و مقوله‌بندی آنها، کلیه پاسخ‌هایی که دارای فراوانی بیش از ۵ بوده‌اند به عنوان

یک مقوله در نظر گرفته شده‌اند، بقیه جواب‌ها در مقوله «سایر موارد» جای گرفته‌اند. با لحاظ نمودن موارد بالا، جواب‌های داده شده به این سوال نیز در پنج (۵) مقوله به شرح زیر جای گرفته‌اند.

مقوله‌ها	فراوانی	درصد
۱. حمایت قانونی از زنان	۱۴۰	۳۷/۱
۲. سهم الارث قبل از فوت پدر داده شود	۴۳	۱۱/۴
۳. فرهنگ سازی شود	۱۳۸	۳۶/۶
۴. رعایت بهتر اصول شرع اسلام	۴۰	۱۰/۶
۵. سایر موارد	۱۶	۴/۲
جمع کل	۳۷۷	۱۰۰

با توجه به جدول فوق بیشترین فراوانی مربوط به مقوله شماره یک یعنی حمایت قانونی از زنان است. به عبارت دیگر، حدود ۳۸ درصد زنان مورد مطالعه حمایت قانونی از زنان را پیشنهاد داده‌اند. با در نظر گرفتن این جواب و نیز جواب‌هایی که به سؤال‌های بالا داده شد، معلوم می‌گردد که در جامعه مورد مطالعه (و حتی در سطح کل کشور) اصلاح قوانین موجود امری بسیار ضروری است. بعد از آن، زنان پیشنهاد فرهنگ‌سازی را مطرح کرده‌اند. این امر نیز بیانگر مردسالار بودن عرف، آداب و رسوم، هنجارهای اجتماعی و روی هم‌رفته فرهنگ حاکم بر جامعه است.

### نتیجه‌گیری

در این مطالعه برای سنجش رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته با به کارگیری انواع مختلف آماره‌ها و جداول مربوطه، از انواع آزمون‌های پارامتریک و ناپارامتریک، متناسب با سطح سنجش متغیر مورد نظر استفاده شده است. برای سنجش متغیرهایی نظیر نحوه جامعه پذیری جنسیتی و بافت فرهنگی خانواده که در سطح سنجش ترتیبی اندازه‌گیری شده‌اند، بیشتر از آزمون ناپارامتری  $U$  من ویتنی استفاده کرده‌ایم. برای سنجش متغیرهایی نظیر میزان درآمد ماهیانه خانوار و سن پاسخگویان که در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند، از

آزمون اختلاف میانگین‌ها ( $t$  مستقل) استفاده کرده‌ایم و نیز برای سنجش متغیرهایی نظیر؛ مذهب و قومیت که به عنوان دو متغیر مستقل و وابسته در سطح سنجش اسمی اندازه‌گیری شده‌اند، از آزمون کای اسکویر همراه با رسم جداول توافقی بهره گرفته‌ایم.

با این وصف از مجموع سیزده فرضیه مورد مطالعه، ده (۱۰) فرضیه یعنی؛ فرضیه‌های مربوط به جامعه‌پذیری جنسیتی، بافت فرهنگی خانواده، تأثیر بر زندگی مشترک، سطح سواد، مذهب، قومیت، سن، مقدار ارث، آگاهی از قوانین و میزان خودپنداره زنان تأیید و چهار (۴) فرضیه یعنی؛ سطح درآمد خانواده، محل سکونت و اشتغال زنان رد شدند.

لذا نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که درصد بالایی از زنان مورد مطالعه معتقدند فرهنگ مردسالارانه حاکم بر جامعه عامل عمده‌ای در عدم دستیابی زنان به حق و حقوق خود در زمینه ارث و میراث است. به همین دلیل زنان مورد مطالعه پیشنهاد فرهنگ‌سازی را مطرح کرده‌اند. این امر نیز بیانگر مردسالار بودن عرف، آداب و رسوم، هنجارهای اجتماعی و روی هم‌رفته فرهنگ حاکم بر جامعه است. بعد از آن به ترتیب طمع مردان و قوانینی که بیشتر از مردان حمایت می‌کنند، دلایل ظفره رفتن مردان از دادن حق الارث به زنان بوده است. همچنین حدود ۲۰ درصد از زنان مورد مطالعه عرف و سنت‌های مردسالارانه حاکم بر جامعه را عامل چشم‌پوشی از حقوق خود می‌دانند. بعد از آن به ترتیب کم‌رویی زنان که ریشه در جامعه‌پذیری جنسیتی خانواده دارد، بی‌اعتمادی به شوهر که بیانگر بنیان نسبتاً سست خانواده است، قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر حدود ۲۸ درصد زنان مورد مطالعه سنت‌های موجود در جامعه را مانع مهمی در احقاق حق خود می‌دانند. بعد از آن بی‌اطلاعی از قوانین و نیز وجود قوانین مردسالار و نابرابری را از موانع بسیار مهم در این زمینه ذکر کرده‌اند. داده‌های تحقیق نشان‌دهنده آن است که بیشتر زنان دید مثبتی به قوانین ندارند. به عبارت دیگر قوانین را بیشتر به نفع مردان می‌دانند. به عبارت دیگر حدود ۳۸ درصد زنان مورد مطالعه حمایت قانونی از زنان را پیشنهاد داده‌اند. با این اوصاف معلوم می‌شود که در جامعه مورد مطالعه (و حتی در سطح کل کشور) اصلاح قوانین موجود امری بسیار ضروری است. لذا ایجاد تغییر در قوانین موجود در زمینه ارث و میراث و سایر قوانین مرتبط با آن را می‌توان به عنوان راهکاری عمده طرح کرد.

عامل عمده دیگری که اهمیت فراوانی در زمینه احقاق حق زنان دارد، نحوه خودپنداره زنان است. به عبارت دیگر هر چه میزان اعتماد به نفس و حس استقلال فردی بالاتر رود یا افراد تصور بهتری از خود و توانایی‌هایشان داشته باشند، به احتمال زیاد تمایل بیشتری به طرح

داعیه حق‌الارث خود خواهند داشت. مسئله خودپنداره یا برداشتی که زنان از خود دارند رابطه نزدیک و تنگاتنگی با جامعه‌پذیری دارد. یکی از دلایل ادامه نابرابری جنسیتی در جوامع فرودست پنداشتن خود در میان زنان و برداشت حقیرانه از خود زنانه است. همان‌طور که مشاهده می‌شود چنانچه زنان خودپنداره قوی داشته باشند می‌توانند بر کلیشه‌های سنتی جامعه غلبه کنند.

### منابع

#### فارسی

- ابن تراب، م. (۱۳۸۶). حقوق زن در خانواده، چاپ دانشگاه الزهراء، تهران.
- افشاری، ز؛ شیانی، م. (۱۳۸۰). تجزیه بازار جنسیتی کار در ایران، فصل نامه پژوهشی زنان.
- امام خمینی «ره» (۱۳۷۴)، رساله توضیح المسائل، با تصحیح و کنترل نهایی توسط هیئت استفتاء - چاپ نهم - قم - نشر روح
- انجمن جامعه شناسی ایران، مسائل اجتماعی ایران، (۱۳۸۳). (مجموعه مقالات) تهران
- تأمین، م. (۱۳۷۳). جامعه شناسی، قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر توتیا.
- چلبی، م. (۱۳۸۴). جامعه شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- حاجیوند، م. (۱۳۸۱). نابرابری جنسیتی در ایران، همایش ملی طرح مسایل جامعه شناختی در ایران.
- دلاور، ع. (۱۳۷۹)، روش‌های آماری در روانشناسی و علوم تربیتی، انتشارات پیام
- دواس، د. ا. (۱۳۷۶)، روش پیمایشی در تحقیق اجتماعی، ترجمه مریم رفعت جاه و رخساره کاظم، مرکز مطالعات و سنجش افکار عمومی تهران.
- ریتزر، ج. (۱۳۷۴). نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، انتشارات علمی.
- شهیدی، م. (۱۳۷۹)، ارث، انتشارات سمت، چاپ سوم
- شیخ الاسلام، س. م. ( )، راهنمای مذهب شافعی، انتشارات دانشگاه تهران.

- عاشور، ا.ع. (۱۳۷۶)، *فقه آسان*، ترجمه: دکتر محمود ابراهیمی، سنندج: نشر احسان.
- کمالی، ا. (۱۳۸۳)، *فقر مضاعف، فصلنامه علوم اجتماعی*، سال سوم شماره ۱۲.
- کینگ، س. (۱۳۴۹)، *جامعه شناسی*، ترجمه مشخص همدانی، امیرکبیر.
- کوئن، ب. (۱۳۷۲)، *مبانی جامعه شناسی*، ترجمه: غلامعباس توسلی و رضا فاضل، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- کوزر، ل. و برنارد، ر. (۱۳۸۳)، *نظریه های بنیادی جامعه‌شناختی*، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- مردوخ کردستانی، ش. م. (۱۳۶۲)، *فقه محمدی*، غریقی، سنندج
- نای، ا. س. (۱۳۷۸)، *حقوق زن از آغاز تا امروز*، ترجمه: گیتی خورسند، تهران: کویر.
- نوابی نژاد، ش. (۱۳۷۲)، *رفتارهای بهنجار و نابهنجار*، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- هومینفر، ا. (۱۳۸۲)، *تحول در الگوی جامعه‌پذیری جنسی رساله کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران.
- ابوت، ب. و والاس، ک. (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیره نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- گرت، ا. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی جنسیت*، ترجمه کتابون بقایی، نشر دیگر چاپ اول.
- میلر، ک. (بی‌تا)، *مبانی ایدئولوژیک، بیولوژیک، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصادی، آموزش و پرورش تئوری سیاست جنسی*، سازمان زنان ایران، بی‌تا
- لوزیک، د. (۱۳۸۳)، *نگرش نو در تحلیل مسائل اجتماعی*، ترجمه سعید معیدفر، انتشارات امیرکبیر
- بیتس، د.، پلاک، ف. (۱۳۷۵)، *انسان‌شناسی فرهنگی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی چاپ اول

#### انگلیسی

- Merton. R. K. and R. Nisbet (1971). *Contemporary social problem*
- Sen, A. (2001), *Many faces of gender inequality New Republic*. September.

- *Chae, H. Mark. (2001, 2002) Gender And Ethnicity in Identity Seton Hall university. The new jersey Journal of prof Essional Counseling.*
- *Elkin Fredric & Handel Gerald (1972) the child and society: the process of serialization Random House.*

Archive of SID